

Original Paper **The allegorical language of the Roman Mulla**

Jafar Havasi*

Abstract

his point of view, the appearance of the stories is not very important, but what is important the results and his impressions of the stories. Most of the imaginary images used in Molvi's poems are allegories. Each of Molavi's stories and allegories can be looked at from a special and different point of view, and one can see a wonderful and amazing sight as much as one's understanding and vision. Molavi's poems are not ordinary words in the field of literature, but rather authoritative and scholarly anecdotes and parables. He has brought the moral principles and diversity of opinions and experiences in the anecd Abstract In his works, Maulavi has used anecdotes and verses as parables to achieve new results. From otes. Maulavi's approach in allegorical stories is usually based on mystical teachings in order to explain and scientifically interpret the subjects. The author has tried to discuss the expertise and mastery of Rumi Mullah in stories and allegories in order to make clear and visible the degree of possession and initiative of Rumi in the design of stories and allegories. The method of compiling the article is library and using various sources and analytical and descriptive method

Keywords: allegory, tale, story, Molavi

Doctorate in Persian language and literature, Ilam University of Medical Sciences,*
Dehloran Higher Education Complex, Ilam, Iran. Dr.jafarhavasi@gmail.com

Please cite this article as (APA):

Havasi, Jafar, (2024). The allegorical language of the Roman Mulla. *Journal of Pedagogic and Lyric in Persian Language and Literature Studies Quarterly*, 15(58), 105-118.



Creative Commons: CC BY-SA 4.0



Publisher: Islamic Azad University Bushehr Branch / No. 58/ Winter 2024

Receive Date: 22-01-2024

Accept Date: 18-04-2024

First Publish Date: 09-05-2024



مقاله پژوهشی **زبان تمثیلی ملای روم**

جعفر هواسی*



چکیده

مولوی در آثار خود به انجای گوناگون حکایات و ابیاتی را برای دست یابی به نتایج جدید به عنوان تمثیل آورده است. از نظر او ظاهر حکایات اهمیت چندانی ندارد بلکه آن چه برای او مهم است نتایج و برداشت‌هایش از حکایات است. بیشتر صور خیالی که در اشعار مولوی به کار رفته از نوع تمثیل است. به هر قصه و داستان تمثیلی مولوی می‌توان از دیدگاهی ویژه و متفاوت نظر انداخت و به اندازه‌ی درک و بینایی خویش منظره‌ای شگرف و شگفت دید. اشعار مولانا سخنانی معمولی در حوزه‌ی ادبیات نیست بلکه حکایات و تمثیل‌هایی حکمی و عالمانه است که اصول اخلاقی و تنوع آرا و تجارب خویش را در ضمن حکایات آورده است. رویکرد مولوی در حکایات تمثیلی معمولاً مبتنی بر آموزه‌های عرفانی در جهت تبیین و تفسیر عالمانه موضوعات است. نویسنده کوشیده است تبحر و استادی ملای روم را در قصه‌ها و تمثیلات مورد بحث قرار دهد تا درجه‌ی تصرف و ابتکار مولانا را در طرح قصص و ایراد تمثیلات روشن و نمایان سازد. روش گردآوری مقاله، کتابخانه‌ای و استفاده از منابع گوناگون و بر شیوه‌ی تحلیلی و توصیفی است.

کلید واژه: تمثیل، قصه، داستان، مولوی

*دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، مجتمع آموزش عالی سلامت دهلران، ایلام، ایران

Dr.jafarhavasi@gmail.com

لطفاً به این مقاله استناد کنید:		
هواسی، جعفر، (۱۴۰۲). زبان تمثیلی ملای روم. فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی. ۱۵(۵۸)، ۱۱۸-۱۰۵.		
		
حق مؤلف © نویسنده‌گان.		
ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / شماره پنجاه و هشتم / زمستان ۱۴۰۲ / از صفحه ۱۱۸-۱۰۵		
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۲	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۳۰	تاریخ انتشار بر روی اینترنت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰

مقدمه

مولوی برای بیان افکار عرفانی، فلسفی و ... خود حکایاتی را نقل می‌کند و از حکایات نتایج تمثیلی مختلفی می‌گیرد. یعنی حکایات و داستان‌های ملای روم برای دست‌یابی به نتایج تمثیلی فراوان است. شیوه‌های مرسوم و فعال این اندیشمندان بدین صورت است که گاهی آرام آرام از داستان‌ها و نتایج حاصل از آن دور می‌شود و دوباره با شیوه‌های تمثیلی مختلف به اصل داستان برمی‌گردد. او در ابتدای کار خود هیچ‌کدام از نتایج داستان‌های خود را بیان نمی‌کند بلکه نتیجه‌گیری‌های خود را طی داستان‌های متعدد برای خواننده بیان می‌کند. این بیان زیبای مولوی حتی در دیگر آثارش مانند فیه مافیه هم حاوی شعرها و تمثیل‌های داستانی فراوان است. اشعار مولوی هم از لحاظ محتوا و معانی ژرف عرفانی هم از جهت شیوه و اسلوب بیان و نیز استفاده از تمثیل‌ها و حکایت‌های مردم‌پسند، در جهت تبیین مسائل پیچیده‌ی عرفانی است. مولوی هم چون پدرش، ضمن توجه به مخاطب عوام، تمامی شگردهایی را که از آن به عنوان بلاغت عوام یاد می‌شود با ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های تمثیلی و عرفانی با زبان و بیانی ساده و قابل فهم در ذهن مخاطبان جای می‌دهد. توجه مولوی به مخاطب او را به سمت زبانی ساده، صمیمی و زنده و با نشاط و به دور از هرگونه مغلق‌گویی و تکلف سوق داده است. او برخلاف شگردهای علمی که مجال هرگونه ارتباط عاطفی میان اثر و مخاطب را از بین می‌برد، آن چنان ساده و صمیمی با بیان داستان‌های تمثیلی به راحتی مخاطب را در صمیمیتی سیال غوطه‌ور می‌سازد.

بیان مسئله

تلاش نویسنده مقاله بر این بوده است تا ابتدا برداشت‌های گوناگون به شیوه‌ی تمثیلی را در ابتدا از واقعه و داستان کربلا و روز عاشورا در قلمرو زبان و ادب فارسی با ژرفا شناسی و تفسیر ملای روم از برپایی این مراسم بازگو نماید. نویسنده بر این باور است که ملای روم با رویکرد عرفانی و تمثیلی انتقادی، بر پایه‌ی حدیث مشهور ((موتوا قبلان تموتوا)) شهادت امام حسین (ع) را مصداقی از این حدیث می‌داند.

در ادامه‌ی این نوشتار سعی شده است ((طوطی)) - این پرنده‌ی پررزم و راز را - از دیدگاه نمادین و تمثیلی بررسی نماید و تجلی آن را در ادبیات فارسی و شعر مولانا ارائه دهد.

تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، زمستان ۱۴۰۲، (ش. پ: ۵۸) ۱۰۸

در ادامه به بررسی مفهوم و معنی نی و معنای تمثیلی آن از دیدگاه مولانا پرداخته شده است. این ((نی)) تمثیل است و مراد از آن، در حقیقت خود مولاناست که از خود تهی شده و در تصرف عشق و معشوق است.

تمثیل زیبای (فیل در تاریکی) در سرزمین هندوان باز شاهکار زیبای ملای روم برای خوانندگان است. تجلی نمادین و تمثیلی شیر در شعر مولوی و تمثیل‌های هوشمندانه‌ی او خواننده را به اعجاب و می‌دارد.

در پایان این مقاله و نوشتار، تلاش بر سنجش و تحلیل تمثیل گونه‌ی پیر چنگی مثنوی و باز آفرینی مولوی نشان داده شده است.

پیشینه‌ی پژوهش

جلیل مسعودی فرد (۱۳۸۲) در مقاله‌ای بنام ((منازل و راه‌های معرفت در مثنوی)) به شناخت و داوری مولوی از حقیقت می‌پردازد. او کثرت‌گرایی مولانا را در آثارش به خوبی شرح داده است.

علی حیدری (۱۳۸۶) در مقاله‌ای تحت عنوان ((حکایات تکراری در مثنوی مولوی)) کوشیده است به هنجار شکنی مولوی و تلمیح به حکایات گوناگون، نتایج حاصله را بیان نماید.

ایرج شهبازی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای بنام ((رنج از نگاه مولوی))، نظرات مولوی درباره‌ی رنج، علل و آثار آن را به نیکی بررسی می‌کند.

سید محسن حسینی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای بنام ((فیه مافیه و ارزش‌های گوناگون آن))، جذابیت‌های هنری و ظرافت‌های حکمی، عرفانی و تمثیلی این کتاب را بررسی می‌کند.

غلامحسین عمرانی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان ((فروزانفر و شرح مثنوی شریف))، به تبیین و تشریح آثار حضرت مولانا در آثار استاد سخن بدیع الزمان فروزانفر می‌پردازد.

ایرج جمشیدی و احمد کریمی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای بنام ((تجلی نمادین شیر در مثنوی)) به تحلیلی هوشمندانه از شیر و حیوانات دیگر در آثار مولوی پرداخته‌اند.

روش گردآوری و سؤالات تحقیق

روش انجام این پژوهش، روش تحلیلی و توصیفی و بر اساس پژوهش کتابخانه‌ای و با استفاده از مقاله‌ها و کتاب‌های دسته اول انجام گرفته است.

- ۱- تفسیر تمثیلی مولانا از واقعه‌ی کربلا بر پایه‌ی کدام حدیث نبوی صورت گرفته و ارتباط آن چگونه است؟
- ۲- مضامین و تمثیل‌های پرنده طوطی در شعر مولوی چگونه است؟
- ۳- مفهوم و معنی نی در کتاب مثنوی و نگاه تمثیلی مولوی به آن چگونه است؟
- ۴- علت اختلاف مردمان از لمس فیل و نگاه تمثیلی مولوی در این اثر به چه شیوه است؟
- ۵- شیر در شعر مولوی رمز و نهاد و تمثیل چه چیزهایی است؟
- ۶- شخصیت پردازی و نگاه رمزی و تمثیلی مولوی در داستان پیر چنگی به چه نحو است؟

تفسیر و تمثیل مولانا از واقعه‌ی کربلا

مولوی با تمام شکوه و زیبایی و حفظ شوکت و استواری کلام، در دیوان کبیر، سه غزل با ردیف ((الله مولانا علی)) آورده است. نوع نگرش مولانا نسبت به خاندان عصمت و طهارت، در کتاب مثنوی هم قابل توجه است. باز خوانی شعر ((روز عاشورا)) ی وی در ادبیات (۷۸۰ تا ۸۰۸ دفتر ششم) و تمثیل‌های به کار رفته در آن ما را واداشت تا به برداشت خود از این ابیات و تمثیل‌های به کار رفته در آن پردازیم و از منظری تازه به فراخور جهان‌نگری فکری و باور شناختی مولوی دست یابیم:

گفت آری لیک کو دور یزید	کی بدست این غم چه دیر اینجا رسید
چشم کوران آن خسارت را بدید	گوش کران آن حکایت را شنید
خفته بودستید تا اکنون شما	که کنون جامه دریدیت از عزا
پس عزا بر خود کنید ای خفتگان	زانک بد مرگیست این خواب گران
روح سلطانی ز زندان بجست	جامه چون دریم چون خاییم دست
روز ملکست و کش و شاهنشهی	گر تو یک ذره از ایشان آگهی ...
آنکه جو دید آب را نکند دریغ	خاصه آن کو دید آن دریا و میغ

(مثنوی، دفتر ششم، ابیات ۷۸۰ تا ۸۰۸)

درون مایه‌ی این ابیات مولوی، تمثیل و تفسیر عارفانه‌ی شهادت حضرت ابا عبدالله (ع) بر بنیاد حدیث ((موتوا قبلان تموتوا)) است. مولانا در تفسیر این حدیث، پیش از ابیات واقعه‌ی عاشورا، سخن را به آنجا رسانده بود که انسان می‌تواند با ریاضت نفس و مجاهدت‌های پیگیر و پشت پا زدن به خواهانی‌های نفس اماره اندک اندک آیینی‌ی دل را صفا ببخشد و به آفرینشی تازه برسد. برای چنین

روحي که پاره‌ای از شهد معارف و جلال الهی چشیده، این جهان و مظاهرش فریب و خون است و پیوسته برای رفتن به عالم دوست بی‌قراری می‌کند.

در پی این سخنان، مولوی به سراغ یک تشبیه تمثیلی مبتنی بر آموزه‌های عرفانی در جهت تفسیر حدیث ((موتوا قبلان تموتوا)) است. این انتقاد نیم‌نگاهی به مسائل سیاسی و اجتماعی روزگار مولانا و تاخت و تاز مغول نیز دارد. تمثیل مورد نظر شامل دو قسمت است: الف- اجتماع عزاداران و ورود شاعر غریب و گفت‌گویی او با یکی از سوگواران و ب- تنها گفته‌های شاعر غریب است که موضوعات را با طنزی تلخ بر زبان می‌آورد.

برجسته‌ترین موضوعی که شاعر غریب با طنز و تمثیلی تلخ از آن یاد می‌کند، بی‌خبری و غفلت جامعه‌ی مسلمانان است. و این همان موضوع محوری و رشته‌ی پیوند پنهانی این تمثیل با محتوای حدیث مورد بحث است. در واقع مولوی با استفاده از این تشبیه تمثیلی، می‌خواهد بگوید دلیل نرسیدن به تعالی، ناگاهی و عدم شناخت واقعی از پیشوایان است. مولوی تا پایان ابیات مورد بحث این تمثیل، نگاه عارفانه خود را که بیان‌کننده شوق و کشش است بیان می‌دارد.

نگاه مولوی به شهادت امام حسین (ع) ناگاهی سوگوارانه نیست، بلکه او با تمثیلی زیبا می‌خواهد بگوید که روح آسمانی یک سلطان دین از زندان دنیا و تن به آزادی رسیده است. نکته‌ی ضروری دیگر اینکه بر پایه‌ی همین تمثیل مثنوی مولوی پی‌می‌بریم که مراسم سوگواری واقعه‌ی کربلا در قرن هفتم و پیش‌تر از آن نیز با شکوه و در اجتماعی عظیم تشکیل شده است.

غزل معروف مولانا در دیوان شمس و برداشت‌های تمثیلی و عناصر مشترک با مضمون بالا به قرار زیر است:

کنجایید ای شهیدان خدایی	بلاجویان دشت کربلایی
کنجایید ای سبک روحان عاشق	پرنده‌تر ز مرغان هوایی
کنجایید ای شهبان آسمانی	بدانسته فلک را در گشایی
کنجایید ای در زندان شکسته	بداده و امداران را رهایی
کنجایید ای در مخزن گشاده	کنجایید ای نوای بی‌نوایی

(کلیات شمس، ص ۱۰۰۴)

۱-دنیای مادی این جهان، نشانه و تمثیلی از حقایق آن جهان است.

۲-شهیدان کربلایی، از خاکدان عالم خاکی به سرای باقی شتافته‌اند.

۳- شهیدان کربلا، عاشقانی هستند که از دل بستگی‌های دنیایی رها شده‌اند.
 ۴- شهیدان کربلایی، خویش را فدا کرده‌اند و بند و زنجیر زندان دنیا را در هم شکسته‌اند.

طوطی و تمثیل‌های آن در مثنوی معنوی

طوطی، در داستان‌ها و سروده‌های بسیاری از شاعران و نویسندگان و عارفان، تمثیل روحی است که از جوار حق به دیار غربت دنیا در قفس تن گرفتار آمده است:

قصه‌ی طوطی جان زین سان بود کو کسی کاو محرم مرغان بود

(مثنوی، ج ۱، ۱۵۵۸)

طوطی جان مرغ زیرک سار من ترجمان فکرت و اسرار من

(همان، ج ۱، ۱۷۲۵)

دانه باشی مرغکانت برچند غنچه باشی کودکانت برکنند
 دانه پنهان کن به کلی دام شو غنچه پنهان کن گیاه بام شو
 معنی مردن ز طوطی بد نیاز در نیاز و فقر خود را مرده ساز

(همان، ج ۱، ۱۸۴۳ به بعد)

تمثیل‌های این چنین در آثار مولوی احساسات و عواطف و تجربیات روانی او را باز می‌گوید و چون از دل بر می‌آید بر دل می‌نشیند. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 در داستان شیرین طوطی و بقال در مثنوی، طوطی تمثیلی به جا از انسانی است که گفتار بی تعقل و قیاس نا به جا دارد:

از قیاسش خنده آمد خلق را کاو چو خود پنداشت صاحب دلق را

(همان، ج ۱، ۲۶۳)

داستان فراق طوطی از موطن خویش، یاد آور ناله‌های سوزناک مولاناست که از جدایی‌ها شکایت می‌کند.

تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، زمستان ۱۴۰۲، (ش. پ: ۵۸) ۱۱۲

تمثیل زیبای مولوی در داستان بط بیچگان و مرغ خانگی، شاید یادآور همین دردهای مولاناست و نیز می‌تواند فراق شمس را به یاد مولانا آورد:

دایه‌ات خاکی و بد و خشکی پرست	مادر تو بط آن دریا بد است
آن طبیعت جانت را از مادر است	میل دریا که دل تو اندر است
اندر آ در بحر معنی چون بطان	دایه را بگذار در خشک و بران

(همان، ج ۱، ۳۷۸۲ به بعد)

نگاه تمثیلی نی در اشعار مولانا

بشنو از نی چون حکایت می‌کند
از جدایی‌ها شکایت می‌کند
(مثنوی معنوی، ج اول)

دلم را ناله‌ی سر نای باید
که از سر نای بوی یار آید
(دیوان کبیر، ب ۶۹۹)

ما چو ناییم و نوا در ما ز توست
ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست
(مثنوی، ج ۱، ۵۹۹)

نی‌ها و خاصه نیشکر بر طمع این بسته کمر
رقصان شده در نیستان یعنی تعز من تشا
(دیوان کبیر، ب ۹۴)

ما چو چنگیم و تو زخمه می‌زنی
زاری از ما نی تو زاری می‌کنی
(مثنوی، ج ۱، ۵۹۸)

وجود شباهت میان انسان و نی به شکل بسیار زیبا و اعجاب انگیزی در اشعار مولانا بازگو می‌شود. مولوی در موارد متعدد این حالت را که نزد صوفیه ((فنا‌ی فعل)) یا ((فنا‌ی افعالی)) است به تمثیلی از چنگ، رباب، طبل و کوس و دهل بیان می‌کند زیرا از هیچ یک بی زخمه آوازی بر نمی‌خیزد و آنها همه محتاج دست نوازنده‌اند.

نی در اشعار مولانا، تمثیلی است از مرد کامل، به دلیل آن که لفظ نی در فارسی به معنی ((نقی)) نیز می‌آید و مرد کامل از خود فانی است. همچنین نی در شعر مولوی می‌تواند تمثیلی از ((حقیقت محمدیه)) باشد که با لوح و قلم اتحاد دارد. بعضی بر این عقیده‌اند که مراد از نی در اشعار مولانا، تمثیلی است از روح قدسی و نفس ناطقه که از عالم خویش دور افتاده و در زندان تن محبوس شده است و اکنون در شوق رجوع بدان عالم معناست و از رنج دوری و غربت ناله و شکایت کرده است. مولوی اولین تشبیه تمثیلی را که میان انسان و نی بیان می‌کند ناله‌ی جدایی از اصل است. بنابراین هم چنان که نی به سبب جدایی از اصل خود (نیستان) فریاد می‌کشد و ناله سر می‌دهد، انسان هم به جهت جدایی از اصل خویش، که ماوراء طبیعت است، ناله می‌کند و تمام تفکرها، تکاپوها و نیایش‌های او فریادی در جست و جوی آن جایگاه متعالی است. کسی می‌تواند سوز و گداز و معنای حقیقی این فریادها را درک کند که به اصل خویش آگاه باشد. این آگاهی در او به عشق حقیقی منجر می‌شود و اشتیاق بازگشت به اصل، در دلش شور و غوغایی به پا می‌کند که پروانه‌ی وجودش در شوق وصال یار خواهد سوخت.

تمثیل زیبای فیل در تاریکی

در شهری که مردم آن پیل ندیده بودند، هندیان پیلی را در خانه‌ی تاریکی عرضه کردند. مردم بسیاری برای دیدن پیل به آنجا رفتند. هرکسی سعی می‌کرد با لمس کردن، پیل را بشناسد. اما توصیفات آنان از پیل بسیار متفاوت بود؛ چون منظر و دیدگاه آنان متفاوت بود:

از نظر که گفتشان شد مختلف آن یکی دالش لقب داد این الف
در کف هر کس اگر شمعی بدی اختلاف از گفتشان بیرون شدی

(همان، ج ۳، ۸-۱۲۶۷)

بیان مولوی در داستان پیل، تمثیل زیبایی است از اختلاف هفتاد و دو ملت. زیرا هر کسی از حقیقت برداشتی دارد و روش خود را درست می‌داند و به حرف دیگران توجه نمی‌کند و روش آنان را منکر می‌شود.

آدمی منکر ز تسبیح جماد و آن جماد اندر عبادت اوستاد
بلکه هفتاد و دو ملت هر یکی بی خبر از یکدگر و اندر شکی

(همان، ج ۳، ۸-۱۴۹۷)

تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، زمستان ۱۴۰۲، (ش. پ: ۵۸) ۱۱۴

مولوی آفتاب را تمثیلی از حقیقت می‌داند و پیامبران را به ماه، اصحاب و اولیاء را به ستارگان و هر کسی به اندازه‌ی ظرفیت افراد متفاوت است، کمالات و مراتب آنان نیز مختلف است.

پست می‌گویم به اندازه‌ی عقول عیب نبود این بود کار رسول

(همان، ج ۱، ۳۸۱۱)

او از قول پیامبر نقل می‌کند:

و حی خورشیدم چنین نوری بداد	چون شما تاریک بودم در نهاد
نور دارم بهر ظلمات نفوس	ظلمتی دارم به نسبت با شمس
که نه مرد آفتاب انوری	ز آن ضعیفم تا تو تابی آوری

(همان، ج ۲، ۳۶۶۰)

نقش حیوانات (شیر) در کاربرد تمثیلی و تخیلی مثنوی

حیوانات و جانوران به سبب کاربرد تخیلی و تمثیلی که دارند همواره در ادبیات فارسی نقش‌های زیادی داشته‌اند. در واقع، یکی از کهن‌ترین عناصر به کار گرفته شده در ادبیات فارسی، استفاده تمثیلی از حیوانات است.

دیدکان خرگوش می‌آید ز دور	شیر اندر آتش و در خشم و شور
امر ما را افکند او بر زمین	نیم خرگوشی که باشد این چنین

(همان، ج ۱، ۲۹۱)

((شخصیت تمثیلی داستان‌های مولوی، خواه انسان باشد خواه حیوان، معمولاً نماینده‌ی گروه و صنف خود هستند و مولوی از طریق گفت و گوها، شخصیت آن‌ها را چنان تصویر می‌کند که بیش و کم نمونه‌ی کلی افراد گروه و صنف خود می‌شود و اگر خواننده، تجربه‌ای از شناخت آن نوع شخصیت‌ها که در داستان مطرح می‌شود داشته باشد، شباهتی عجیب میان نمونه کلی و مصادیق ذهنی و تجربی خود احساس می‌کند. از همین روی از طریق آثار مولوی می‌توان با احوال و روحیات مردم عصر او و رفتاری‌ها و گذران زندگی و کنش‌ها و واکنش‌های آنان که نمونه‌های آن را چه بسا در عصر خود نیز می‌بینیم آشنایی پیدا کرد.)) (پور نامداریان، ۱۳۸۰: ۲۸۹)

شیر، که آن را سلطان جنگل می‌نامند، در فرهنگ‌ها مجازاً معنای شجاعت و مردانگی می‌دهد. مولانا بن مایه‌ی شجاعت را در هم شکستن قدرت باطنی نفس می‌داند که شجاعت ظاهری، سایه و مظه‌ری از آن به شمار می‌رود.

شیر در بسیاری از حکایت‌های مثنوی به کار رفته و همانند سایر حیوانات در هر داستانی، تمثیلی از امر خاصی است. و از جمله حیواناتی است که شخصیتی غیر ثابت، متفاوت و بعضاً متضاد دارد. شیر تمثیلی است از عارفان حقیقی، رمز شجاعت و سمبلی برای زورمندان دنیایی و همچنین نماد نفس اماره و شهوت، عقل جزیی و انسان‌های گرفتار نفس و ... است.

مولانا در بسیاری از ابیات مثنوی، شیر را تمثیلی از اولیاء الله و مردان حق و عارفان بالله در نظر گرفته است:

هر که باشد در پی شیر حراب کم نیاید روز و شب او را کباب

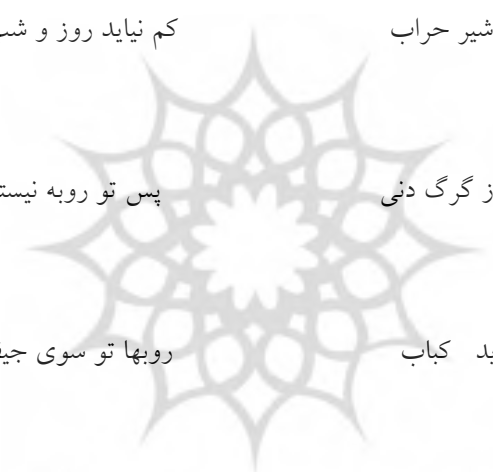
(مثنوی، ج ۱، ۳۰۸۹)

چون گرفتی عبرت از گرگ دنی پس تو روبه نیستی شیر منی

(همان، ج ۱، ۳۱۷۹)

در پناه شیر کم ناید کباب روپها تو سوی جیفه کم شتاب

(همان، ج ۳، ۲۲۷۸)



نگاه تمثیلی مولوی به قصه‌ی پیر چنگی

آن شنیدستی که در عهد عمر بود چنگی مطربی با کر و فر
بلبل از آواز او بی خود شدی یک طرب ز آواز خویش صد شدی
مجلس و مجمع دمش آراستی وز نوای او قیامت خاستی ...
من چو کردم آن خود بر تو نثار تو کریمی نیز آن را خود بیار
در همه دنیا ندارم هیچ چیز رایگان مشنو سماع من تو نیز
نیست کس امروز مهمان توام چنگ بهر تو ز نم کآن توام ...

(همان، ج ۱، ۲۲۱۲، ۲۰۹۶)

زمینه‌ی معنایی قصه‌ی پیر چنگی با تأکیدی نمایشی بر مرگ اختیاری داستان طوطی مثنوی، به سالک توصیه می‌کند ((در نیاز و فقر خود را مرده ساز)) (همان، ج ۱، ۱۹۱۹) پیر چنگی در کتاب مثنوی تا حدودی نشان از طلب رزق دارد و قسمت اعظم سخنان مولوی بیانگر نگاه نمایشی حالت انسان گناهکاری است که از گناهان سالیان دراز عمر خویش پشیمان است.

از ویژگی‌های داستان مولوی ((تکوین شخصیت)) است و شخصیت‌های قصه‌ی او در پایان دگرگون می‌شوند. پیر چنگی شخصیتی کاملاً پویا دارد و به طور منطقی و قابل قبول وقایع قصه بر او اثر می‌گذارد و او را از درون متحول می‌نماید.

نگاه نمایشی مولانا به داستان پیر چنگی بدین نحو است که سالک راه حق در نخستین گام باید از گذشته توبه کند، اما نباید در این مرحله متوقف شود و درگام دوم باید از گذشته و آینده و حتی توبه نیز توبه کند، چه این‌ها همه حجاب راه‌اند. پیر چنگی که قهرمان قصه است در مقابل دو ضد قهرمان قرار دارد: نخست: گذشته‌ی پر گناه و دوم: هشیاری، توبه و گریه و زاری او، که بر هر دو پیروز می‌شود.

پیر در روایت مثنوی نخست در جایگاه نمایشی ((صحو)) قرار می‌گیرد اما سپس به وادی نمایشی ((محو)) می‌رسد. در داستان پیر چنگی عمر شخصاً نزد پیر می‌رود و در رویارویی با پیر، او نیز متحول می‌شود. او که تا کنون سخت گیر و خشن بوده است و هیچ گاه گمان نمی‌برده که بنده‌ی خاص خدا در لباس پیر چنگی ظاهر شود هم اهل مدارا می‌شود و هم به این آگاهی می‌رسد که دوستان خدا در هر لباسی هستند حتی در لباس افرادی که به ظاهر اهل گناه باشند به این دو مورد تحولی است که در شخصیت او رخ می‌دهد. نگاه نمایشی مولوی بدین نحو است که عمر هنگام توبه‌ی پیر نقشی فعال در قصه دارد. راه درست را به چنگی نشان می‌دهد و او را به پله‌ای فراتر هدایت می‌کند و در تحول نهایی پیر کاملاً مؤثر واقع می‌شود.

نتیجه گیری

از شیوه‌های خاص مولانا در نقل حکایات و داستان‌های نمایشی و آموزه‌های اخلاقی این است که شخصیت‌های داستان‌های وی در نقش‌های مثبت و منفی خود ثابت باقی نمی‌مانند بلکه به مناسبت ایراد نکات و پیام‌های اخلاقی شخصیت‌ها و نقش‌ها، کاربردهایی نمایشی و نمادین پیدا می‌کنند. شخصیت‌های داستان‌ها و قصه‌های مولانا پویاوند و در طول قصه دگرگون می‌شوند. شخصیت قصه و داستان‌های او در طول داستان و در واکنش به رخدادهایی، از درون متحول می‌شوند. مولوی در شعر

خود و مخصوصاً در مثنوی گران سنگ خود، داستان‌های بسیاری را آورده است که پیش از او بر سر زبان‌ها بود اما ویژگی بارزی که در شعر مولانا وجود دارد این است که نمادها و تمثیل‌های مولانا بسیار پر معنا و عمیق و نو عرضه شده و لذا بسیارکاری تر و مؤثرتر شده است. اشعار مولانا به سبب اشتغال بر احادیث، اقوال، اشعار و تمثیلات فراوان، ارزش مطالعات پیوسته را دارد. تصرف مولانا در قصه‌هایی که در اشعار خود به عنوان نمادها و تمثیل‌ها به نظم آورده، محدود به مطالب و موضوعات عوام بوده است اما قراین نشان می‌دهد که از خواص هم چشم پوشی نکرده است. مولانا در تازه بودن خویش، به همه‌ی روزگاران سفر می‌کند و به ((امروز)) ما می‌رسد. او در زمینه‌های مختلف، چه از نظر محتوا و چه از نظر فرم، سبک و شیوه‌ای نو دارد. اشاره و تلمیح به داستان‌ها و حکایات تمثیلی، اگر چه در شاعران قبل از مولوی هم هست اما شاید در آثار هیچ شاعر پارسی گوی به اندازه‌ی مولوی به این قضیه توجه نشده است.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- اکبرآبادی، ولی محمد، (۱۳۸۳)، شرح مثنوی مولوی، به تصحیح نجیب مایل هروی، چ ۳، نشر قطره
- ۳- پورنامداریان، تقی، (۱۳۶۸)، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۴- خلاصه‌ی مثنوی، (۱۳۲۱)، به انتخاب و انضمام تعلیقات و حواشی، بدیع الزمان فروزانفر، تهران
- ۵- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۵۸)، بحر در کوزه، چ ۱، تهران: انتشارات علمی.
- ۶- فروزانفر، بدیع الزمان، (۱۳۷۵)، شرح مثنوی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۷- مولوی، جلال الدین محمد، (۱۳۷۰)، به کوشش رینولد نیکلسن، با مقدمه سرامی، چ ۱، انتشارات بهزاد
- ۸- مولوی، جلال الدین محمد، (۱۳۵۱)، دیوان کبیر شمس تبریزی، چ ۴، تهران
- ۹- مثنوی معنوی، (۱۳۷۵)، تصحیح و تعلیقات محمد استعلامی، تهران: انتشارات زرورار.
- ۱۰- مولوی جلال الدین، (۱۳۷۴)، فیه مافیه، ویرایش جعفر مدرس صادقی، چ ۴، نشر مرکز

Sources and references

- 1- Holy Quran
- 2- Akbarabadi, Wali Mohammad, (1383), Commentary on Maulavi's Masnavi, edited by Najib Mayel Heravi, Vol. 3, Nashre Ghatrah
- 3- Pournamdarian, Taghi, (1368), code and secret stories in Persian literature, Scientific and Cultural Publications, Tehran
- 4- Summary of the Masnavi, (1321), with the selection and addition of notes and margins Badiul Zaman Forozanfar, Tehran
- 5- Zarin Koob, Abdul Hossein, (1358), Bahr Der Kozeh, Ch. 1, Scientific Publications, Tehran
- 6- Farozanfar, Badi al-Zaman, (1375), Commentary on the Masnavi, Scientific and Cultural. Publications, Tehran
- 7- Maulvi, Jalaluddin Mohammad, (1370), with the efforts of Reynold Nicholson, with a Sarame introduction, Ch. 1, Behzad Publications
- 8- Molavi, Jalaluddin Mohammad, (1351), Diwan Kabir Shams Tabrizi, Ch 4, Tehran
- 9- Masnavi Manavi, (1375), correction and annotations by Dr. Mohammad Istalami, Zarvar Publishing House, Tehran
- 10- Molavi Jalaluddin, (1374), Fieh Mafieh, edited by Jafar Modares Sadeghi, Ch. 4, Center Publishing

